

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

به قلم ملی کیاک

برگردان از حمید بهشتی

۲۰ سپتمبر ۲۰۱۱

گرسنگی در افریقا، فاجعه ما

دیدگاه یک دردمند المانی

تصویرهای گرسنگی که ما تا کنون دیده ایم و در هفته های آتی نیز خواهیم دید، میزان حقیقی فاجعه را نمایان می سازد، فاجعه ای که فاجعه ماست.

در این تصاویر فهرست اولویت های اتحادیه اروپا نمایان شده است. زیرا در حالی که رؤسای دولت ها با توجه به بحران پولی همه چیز را کنار گذاشته و به خاطر قرضه های میلیاردی و نجات یورو حتماً شب ها نیز به دیدار یکدیگر می روند، در حالی که آنها در زمان تعطیلاتشان نیز با هم کنفرانس های تلفونی می گذارند تا با یکدیگر برای یافتن راه حل مشترک مشورت نمایند، در مقابل چشمان ما و آنها میلیونها انسان از فرط گرسنگی جان می دهند. اینجا سخن از هزاران تن و صدها هزار در میان نیست، بلکه میلیونها انسان گرسنگی می کشند و دو و نیم میلیون در معرض خطر مرگ قرار دارند.

مدتی این خیر در میان اخبار خجالتبار انگلستان و دیدارهای مربوط به بحران بدهکاری جا داشت که البته نه با اولویت بالا، بلکه مانند هر خبر دیگر با ارزیابی مساوی گزارش می شد. هیچ گزارش فوق العاده ای در تلویزیون یا گزارشی که به خاطر انسان هائی که از فرط ناتوانی و تکیدگی مانند پشه های خشک شده بر زمین می افتادند، در بین نبود، انگار که اینها ربطی به ما نداشته و هیچ ضرورتی مانند همه امور دیگر که فعلاً ضروری به نظر می رسند در بین نباشد.

آیا ما شهروندان سیر ملت های غنی در بروز این بدبختی سهمیم و مقصر نیستیم؟ آیا ما همان کسانی نیستیم که به خاطر اینکه سرمایه گذاران کشورهای ما خرید و فروش بیهوده ای را در بازارهای مواد غذایی انجام می دهند، مسؤول نوسان های فوق العاده بهای غلات می باشیم؟ حتماً نوسانات اقلیمی که کشاورزان افریقای را به مرارت افکنده اند نیز بلای است که مسبب آن ما هستیم. باید دید کدامیک مهم تر است: پول، بانک ها، ارزها یا کودکان؟ آیا دستکم ممکن نیست هر دوی اینها را به یک اندازه ضروری دانست؟

اما هنگامی که دولت ما در باره گرسنگی مردمان اتیوپی، کنیا و سومالی سخن می گوید، از آن چنین بر می آید که انگار اینها خیلی با ما فاصله دارند. طبیعتاً این سخن نادرستی است که کشورهای غنی به خاطر اینکه شبه نظامیان سومالیائی در کمک رسانی خرابکاری می کنند، قادر به یاری نباشند. البته که آنها خرابکاری می کنند، در این بحثی نیست.

اما راه ثروتمند شدن مشتی به سبب فقر دیگران را ما خودمان باز گذارده ایم: از آنجائی که ما دلالتی روی مواد غذایی را مجاز می دانیم کشاورزان و سازمان ملل درست زمانی که تقاضای گندم به خاطر خشکسالی فزونی می یابد، در ازای بهائی که می پردازند، بسیار اندک گندم به دست می آورند.

تا همین امروز در مجلس المان جلسه فوق العاده ای برای رسیدگی به اوضاع گرسنگی برقرار نشده است. اگرچه سالهاست که همه از وضعیت گرسنگان آگاهند، سازمان ملل اواخر جولای در رم برگزاری جلسه ای بدین منظور را در دستور کار خود قرار داد. در آن زمان به شهادت کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل UNHCR یکصد و هشتاد هزار تن از مردم بلا دیده سومالی برای یافتن خوراک، امنیت و مسکن ویلان بوده اند. گفتار آنروز چنین بود که برای کمک رسانی، قرص های پروتئینی لازم است که به اندازه کافی موجود نیستند. پیش از آن نیز از یک میلیارد دلاری که لازم بود فقط ۲۰۰ میلیون آن جمع آوری شده بود.

حال ببینیم تک تک کشورها در زمانی که هنوز تصاویر گرسنگی در برنامه های اصلی اخبار سوژه نشده بود به لحاظ مالی چگونه رفتار کردند. انگلستان بلافاصله ۱۰۰ میلیون و اسپانیا ۱۰ میلیون در اختیار نهادند. اما خانم صدر اعظم المان که تازه هم از یک سفر افریقا بازگشته و طی آن برای اقتصاد صادراتی المان خواهان امنیت حقوقی شده بود، با توجه به فاجع، انسانی مزبور قول داد یک میلیون یورو کمک کند. شگفتا، چه تفاوت فاحشی میان منفعت اقتصادی خویش و کمک انساندوستانه!

در همین زمینه وزیر اقتصاد المان، دیرک نیبل گفت، اتحادیه افریقا و ممالک اسلامی می باید به برادران و خواهران عقیدتی خویش بیشتر برسند. اینجاست که این برداشت به آدمی دست می دهد که جهان ما درست زمانی به گروه های انسانی تقسیم بندی می شود که سخن بر سر کمک انساندوستانه باشد، یعنی در جائی که دادن و کمک انسانی اولویت می یابد. اما در جائی که موضوع به گرفتن مربوط می شود، نه ملیت می تواند مانع باشد نه عقیده و نه رنگ پوست.

حال ببینید خانم صدر اعظم و وزیر توسعه ما کجا ایستاده اند. آنها از مردم برای کمک به افریقا تقاضای یاری می کنند. زیرا در جائی که فقراء و گرسنگان مطرح می شوند، کار دولت ها درخواست کمک و گدائی است. اما نوبت به نجات بانک ها که می رسد کسی از مردم در خواست اعانه نمی کند. آنجا از صندوق عمومی و درآمد مالیات مایه می گذارند.

برگرفته از تلاکسکالا - ۱۳ سپتمبر ۲۰۱۱